

فرصتی مناسب و معتنم است تا چند جمله‌ای در خصوص شخصیت شهید مطهری و برخی دیدگاه‌های آن متفکر بزرگ برای مردم و به‌ویژه نسل جوانان، نکات کوتاه و مختصری مطرح کنم: شاید اولین نکته‌ای که طرح آن مناسب به نظر می‌رسد، این است که آثار شهید مطهری را امام راحل و رهبر بزرگ انقلاب اسلامی آثاری ارزشمند دانسته‌اند که بی‌استثنا همه آنها خوب است. تذکری هم به همه جوانان، روشنفکران و دانشجویان دادند که نگذارید با دسیسه‌ها، کتاب‌ها و آثار استاد به فراموشی سپرده شود. در پی آن به تأکیدات زیادی که رهبر فرزانه انقلاب در این خصوص داشتند اشاره کنم که صرف‌نظر از تعداد این آثار که به موضوعات متنوع و مهم پرداخته است، وجود یک سلامت و انسجام و استواری ارزشمند در همه این آثار ویژگی استثنایی کتاب‌ها و آثار استاد شهید مطهری است که خوب است به آن اشاره کنم. آن ویژگی این است که آثار شهید مطهری به گونه‌ای است که وقتی مخاطبان با تعدادی از اینها آشنا می‌شوند و این کتاب‌ها را مطالعه می‌کنند، بعد از مدت کوتاهی احساس می‌کنند که چارچوب و ساختار فکری خیلی مناسبی در جان و روان آنها نقش بسته است که بعد از آن مطالعات دیگری را که صورت می‌دهند، احساس می‌کنند هر مطلب و موضوعی جای خود را در مجموعه فکری پیدا می‌کند. این نکته خیلی مهم است. مثل یک کتابخانه عظیمی که هزاران کتاب در داخل آن هست و چون از نظم مناسبی برخوردار است، هر اثری که وارد این کتابخانه می‌شود، جای مشخصی دارد. مثل یک جوانی که با رایانه کار می‌کند و داخل رایانه شخصی خود یک فایل شخصی دارد و اطلاعات مختلف را دسته‌بندی می‌کند.

آثار شهید مطهری به گونه‌ای است که خوانندگان این آثار بعد از مدتی احساس می‌کنند که این انسجام و چارچوب فکری را پیدا کرده‌اند. اگر در طول سال‌های متمادی اطلاعات دیگری کسب کنند، کتاب‌های



مهندس عزت‌الله ضرغامی، رئیس رسانه ملی:

ذهن منسجم و فکر سالم؛ لازمه محیط متکثر رسانه‌ای

اشاره

رسانه ملی به منزله «دانشگاه عمومی» باید از پشتوانه و تکیه‌گاه فکری قدرتمندی بهره‌مند شود. تحقق مأموریت سترگ این رسانه فراگیر در مدیریت و هدایت افکار عمومی؛ به‌ویژه مدیریت و هدایت افکار جوانان جست‌وجوگر و نواندیش، بیش از هر زمان، نیازمند بهره‌گیری سیاستگذاران و برنامه‌ریزان آن از افکار و اندیشه‌های پیش‌ناتزان و رهبران انقلاب اسلامی، به‌ویژه اندیشمند شهید استاد مرتضی مطهری است؛ اندیشمندی آینده‌نگر و متعهد که آثار مختلف گفتاری و قلمی ایشان از سوی حضرت امام خمینی (ره)، بنیانگذار فقید انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، با ستایش بسیار مواجه شده و چون گنجینه‌ای پربار و هدایت‌گر برای آینده انقلاب و نظام در نظر آمده است.

گفتار پیش رو از ضرورت بهره‌گیری دست‌اندرکاران رسانه ملی از «چشمه جوشان معارف» آن استاد شهید می‌گوید و بر طراحی روش‌ها و شیوه‌های اجرایی بهنگام رسانه‌ای در تحقق آن، به‌ویژه در مواجهه با جوانان و مسائل مختلف آنها در ایران امروز تأکید می‌ورزد.

دیگری بخوانند، سخنرانی‌های زیادی را بشنوند و به مقالاتی دسترسی پیدا کنند سرگردان نیستند. احساس می‌کنند همه این مطالب در یک چارچوب منسجم فکری، که از صلابت و سلامت بسیاری برخوردار است، جای خودش را پیدا می‌کند. این را من از این جهت عرض کردم که امروز منابع مختلفی در اختیار جوانان ماست. وسایل ارتباطی بسیار متنوع شده است. شبکه‌های ماهواره‌ای متعدد و صدها شبکه با گرایش‌های مختلف امروز در دسترس هست. فضای رسانه‌های مجازی یا اینترنت و شبکه‌های مختلف اینترنتی امروز قابلیت‌های بسیار عجیبی برای دسترسی و استفاده ایجاد کرده است. بنابراین ما نمی‌توانیم جوانان را منع کنیم که سراغ آنها نروند، استفاده نکنند، نشنوند و نخوانند.

امروز فضای رسانه‌های جهانی فضایی است که دسترسی به آن وجود دارد. بنابراین توصیه ما به جوانان این است که وقتی پا در این فضای متکثر رسانه‌ای می‌گذارند، با یک تفکر منسجم و سالم و در واقع استاندارد، خودشان را مجهز کنند. آن وقت هر ایده، هر فکر و هر نظریه‌ای به آنها برسد، در جای خود مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، تحلیل می‌شود، مقایسه می‌شود و می‌تواند به عنوان یک پی‌ریزی و زیرساخت ارزشمند مبنای مطالعات دیگر قرار بگیرد. اگر از این دست بخواهم یک مورد را برای جوانان و نوجوانان عزیز می‌گویم که تا به حال فرصت پیدا نکرده‌اند روی آثار شهید مطهری کار کنند عرض کنم، مجموعه هفت جلدی جهان‌بینی توحیدی شهید مطهری بهترین مجموعه و جامع‌ترین و کامل‌ترین مجموعه برای شروع مطالعات بر روی آثار شهید مطهری است. همین‌جا عرض کنم که ویژگی شهید مطهری آن است که در ضمن پرداختن به اصول اعتقادی از قبیل توحید، نبوت و معاد جهت‌گیری خاصی دارد که در بسیاری از کتاب‌های اعتقادی دیگر نیست؛ به این معنا که ورود شهید مطهری به این مباحث و نوع طرح مسئله به گونه‌ای است

که با ادبیات نوین، با فضای جدیدی که در دهه‌های اخیر بر جوامع فکری دنیا حاکم بوده و در واقع خیلی از شبهات کنار تفکرات توحیدی مطرح شده، شهید مطهری در عمل به خیلی از این شبهات پاسخ می‌دهند، خیلی از موضوعات را طرح و تبیین می‌کنند و پاسخ روشن می‌دهند که بعدها می‌تواند خیلی از معضلات را حل کند. برای نمونه، در کتاب وحی و نبوت که یکی از این مجموعه کتاب‌هاست، ضمن اینکه بحث‌های مربوط به نبوت مثل سایر کتاب‌های اعتقادی مطرح می‌شود، زوایای ارزشمندی از این بحث نیز مورد توجه قرار می‌گیرد که امروز هم برای جامعه ما می‌تواند بسیار راهگشا باشد. در پاسخ به این سؤال که هدف از بعثت انبیا چه بوده است؟ آیا دعوت به توحید و یکتاپرستی هدف اصلی بعثت انبیا بوده است یا برقراری قسط و عدالت اجتماعی، یا هر دو و یا اگر هر کدام بوده مورد دیگر چه جایگاهی دارد؟ آیات متعددی هم در قرآن هست که چه چیزی می‌تواند یکی از این بخش‌ها را تأیید کند. به عنوان مثال، **قرآن** خطاب به پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: ما تو را فرستادیم برای اینکه مانند چراغی روشن مردم را به سوی پروردگار دعوت کنی، بشارت بدهی و مردم را به سمت خدا بخوانی. در آیه دیگری تأکید بر عدالت اجتماعی است. ما پیامبران را فرستادیم، کتاب و میزان به آنها دادیم، آیات روشن به آنها دادیم، برای اینکه در جامعه قسط و عدالت اجتماعی را محقق کنند. این هدف، هدف اجتماعی و عدالت اجتماعی در واقع دیدگاه‌های مختلف را بیان می‌کند که هر کدام با توجه به گرایش‌هایی که داشتند، ممکن است به گونه‌ای با بحث بعثت انبیا برخورد کنند و اگر در یک مورد زیاده‌روی کنند و دیگری را نادیده بگیرند، شاید در عمل دچار انحراف خاصی بشوند.

خب، شهید مطهری این بحث را مطرح، تبیین و ابعاد آن را تشریح می‌کند. می‌گوید، دو هدف داشتن تثبیت است و باطل است. یک هدف باید هدف اساسی بعثت انبیا باشد

و می‌فرماید، همان آیه اول که به صراحت دعوت به توحید و یکتاپرستی دارد هدف اصلی از بعثت انبیاست، اما عدالت اجتماعی چه می‌شود؟ ایشان می‌فرماید، عدالت اجتماعی یک وسیله برای رسیدن به آن هدف متعالی است، اما با چه وسیله‌ای؟ بعد توضیح می‌دهد که دو نوع وسیله داریم. یک وسیله که قطع نظر از هدف هیچ‌گونه ارزش و اعتباری ندارد و وسیله‌ای که قطع نظر از هدف خودش دارای اصالت و ارزش است. اینها را تبیین می‌کند، مثال‌های متعددی می‌زند و بعد می‌گوید، عدالت اجتماعی از این جمله وسایل است که اگر قطع نظر از هدف هم مورد توجه قرار بگیرد، در یک حدی، در جایگاه خود دارای اصالت و ارزش و اعتبار است. برای همین هم شاید بسیاری از شبهات در ذهن جوانان بود مبنی بر اینکه خیلی از مصلحان و مبارزان و خدمتگزاران در طول تاریخ بودند که خدمات ارزشمندی به بشر کردند که اینها مسلمان نبودند و طبق آیات صریح **قرآن** اینها راهی به بهشت ندارند؛ پس تکلیف اینها چه می‌شود؟ آیا همه اینها باید به جهنم بروند و در آتش بسوزند و خیلی‌هایی که به حسب ظاهر مسلمان هستند ولی هیچ خیری به هموطنان خود نمی‌رسانند و هیچ نشانی در واقع از اسلام ندارند، اینها به بهشت راه دارند؟ پس بحث عدالت چه می‌شود؟

بنابراین، می‌بینید، این شبهه که در همان زمان‌ها هم که در بین جوانان مطرح می‌شد، شبهه بسیار مهمی است و شهید مطهری این مسئله را تبیین می‌کند و هم در این بخش و هم در بقیه آثار، از جمله کتاب **ارزنده عدل الهی**، در بخش عمل خیلی از غیرمسلمانان، توضیح می‌دهد که اگر کسی غیرمسلمان بود ولی اعمال شایسته کرد، جایگاه او کجاست. شاید در یکی از این بخش‌ها ایشان روایاتی هم نقل می‌کنند که فردی به واسطه کارهای خیری که انجام داده است چون مسلمان نیست و مشرک است وارد جهنم که می‌شود به واسطه آن کار خیری که کرده یک خانه گلی دور او در

آتش جهنم ایجاد می‌شود که این آتش به او آسیبی نمی‌رساند. وقتی سؤال می‌کند، این چیست؟ می‌گویند، این همان عمل خیری است که در دنیا انجام دادی و مسائل فراوانی از این دست که بسیاری از اعتقادات اسلامی را به دور از التقاط و انحراف در جایگاه خود بررسی و تبیین می‌کند. اتفاقاً این مسئله امروز از مسائلی است که حتماً در جامعه ما باید مورد توجه دولتمردان و مسئولان اجرایی کشور باشد.

ضرورت سرمایه‌گذاری در امور

فرهنگی - تربیتی نسل جوان

عدالت اجتماعی مسئله بسیار مهمی است. سال‌هاست که رهبر فرزانه انقلاب با گفتمان عدالت مسئولان را به توجه بیشتر به زندگی در امور معیشتی فرا می‌خوانند. خوشبختانه، شعار حاکم دولت خدمتگزار امروز هم حل مشکلات زندگی و معیشتی مردم و تأمین حداقل نیازهایی است که مردم توقع دارند. اما آیا این نهایت آرمان‌ها و هدف‌ها و خواسته‌های ماست؟! حتماً این‌گونه نیست. بنابراین، سرمایه‌گذاری در امور فرهنگی - تربیتی نسل جوان و پرورش استعداد های دینی، فرهنگی و تربیتی آنها موضوع بسیار مهمی است؛ چون اگر قرار باشد فردی در یک منطقه محروم و دورافتاده آب نداشته باشد و آب را به آنجا برسانند و برق و بهداشت را تأمین کنند، اما سرمایه‌گذاری فرهنگی نکنند و کالای فرهنگی مناسب در اختیار او قرار ندهند، یا در یک منطقه کوری باشد که نتواند از صداوسیما جمهوری اسلامی استفاده کند، خب، همین قدر که برق برای او تأمین می‌شود، ممکن است یک دیش ماهواره بگذارد و مبتذل‌ترین تصاویر ماهواره‌ای را ببیند و در واقع همان امکاناتی که برای او فراهم می‌شود بالای جان او بشود. به قول شهید مطهری که در کتاب انسان و ایمان این مسئله را مطرح می‌کند، وقتی امکانات هم فراهم بشود، اگر سرمایه‌گذاری تربیتی و فرهنگی نشود، حتماً نتیجه عکس دارد. در این سال‌ها می‌بینیم دشمنان ما از سال‌ها



همه رسانه‌ها مسئولیت دارند و مسئولیت سنگینی هم بردوش رسانه ملی است که به تأسی از نظریه آزاداندیشی رهبر فرزانه انقلاب، بزرگان و اندیشمندان ما در یک فضای سالم بتوانند بسیاری از دیدگاه‌های علمی خودشان را مطرح کنند و خیلی از شبهات دانشجویان و جوانان ما را پاسخ بدهند.

قبل که رهبر فرزانه انقلاب بحث «هجمه فرهنگی» را مطرح کردند تا سال‌های اخیر، که اشاره به جنگ رسانه‌ای در این فضای متکثر رسانه‌ای و ماهواره‌ای دنیا کردند، می‌بینیم روی این زمینه باید کار می‌شد، سرمایه‌گذاری می‌شد و حداقل پایه‌پای بقیه قسمت‌ها پیشرفتی صورت می‌گرفت. بنابراین، اگر شهید مطهری امروز در میان ما بود و یک بار دیگر کتاب وحی و نبوت را برای ما می‌خواند و بار دیگر تأکید به اهمیت سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگ می‌کرد، ما متوجه می‌شدیم که همه اینها باید در کنار هم و در یک توسعه متعادل مورد توجه قرار بگیرد. بنابراین من تأکید می‌کنم که جوانان عزیز سیر مطالعاتی روشنی داشته باشند و گروه‌های مطالعاتی تشکیل بدهند. کتاب‌های

شهید مطهری به گونه‌ای است که بسیاری از آنها را حتی بدون معلم با یک مقدار تعمق و تدبر می‌شود فهمید و استفاده کرد. کتاب را بخوانند به قصد اینکه در آن کتاب تأمل کنند. مدت‌ها این کتاب را بخوانند و سعی کنند مطلب آن را متوجه شوند، نه اینکه به سرعت ظواهر کتاب را بخوانند و فکر کنند که مطالب زیادی را یاد گرفته‌اند.

نکته دیگر در مورد شخصیت شهید مطهری نیازسنجی و مسئله‌یابی بود که او با توجه به اشرافی که بر جامعه خود داشت انجام می‌داد. به عبارت دیگر، شهید مطهری شخصیتی نبود که با تکیه بر یک‌سری از محفوظات و معلومات، به بهانه‌های مختلف، سعی می‌کند اطلاعات و سواد و علم خودش را به رخ دیگران بکشد، سخنرانی کند و کتاب بنویسد و در واقع محفوظات خودش را منتقل کند. حالا صرف‌نظر از اینکه چقدر از این مطالب مطرح‌شده به درد مخاطبان بخورد. چندی پیش در خدمت یکی از بزرگان، کسی به شوخی گفته بود، یکی از آقایان سخنران در یک روستا از شهر دورافتاده‌ای، ۳۰ شب منبر می‌رود و یک آیه کوچکی را قرائت کرده و ذیل این آیه ۳۰ شب سخنرانی مفصلی انجام داده است و این نشان می‌دهد که این فرد خیلی آدم باسوادی است و اگر بخواهد همه قرآن را تعبیر کند از همه جلوتر است. آن شخصیت بزرگوار فرموده بودند که این طور نیست. در واقع، او دارد همه سواد خودش را ذیل همین آیه مطرح می‌کند. معلوم نیست که چقدر مرتبط است و چقدر مورد نیاز است. شهید مطهری مسئله‌یابی می‌کرد. مشکلات جوان را متوجه می‌شد. از آن جهت که خودش به دریایی از علوم و حقایق و آموزه‌ها و داشته‌های ارزشمند متصل بود، بخش زیادی از آن را خودش به دوش می‌کشید. برای تبیین آن شبهات و پاسخ‌دادن به خیلی از موارد دیگر تحقیق می‌کرد و وقت زیادی صرف می‌کرد. ایشان بارها در بسیاری از کتاب‌ها و نوارها متذکر شدند که در مورد این مسئله چقدر تحقیق کردند. از افرادی

نام می‌برد که ایشان در یک موضوعی اطلاعاتشان محدود بود، اما مراجعه کردند، از او یاد گرفتند و توانستند مجموعه تحقیقی خودشان را تکمیل کنند.

بنابراین، نگاه مطهری به مشکلاتی بود که در سطح جامعه وجود داشت و در واقع مسئله‌یابی و نیازسنجی را که باید در فضای جامعه مورد توجه قرار بگیرد و پاسخ داده شود، انجام می‌داد. شاید یکی از بحث‌های مهم بحث مربوط به قضا و قدر است. ایشان در باب علل انحطاط مسلمین مطرح می‌کند که من بررسی می‌کنم چرا مسلمانان در این دهه‌های اخیر این قدر عقب افتاده‌اند، با آن سابقه ارزشمندی که مسلمانان در تمدن جهانی داشتند. آن وقت چند مورد را ذکر می‌کند. یکی هم همین مسئله قضا و قدر است که خب، در جوامع مسلمان این طور تبلیغ کرده‌اند که تسلیم سرنوشت باشید! خداوند همان چیزی را که خواهد، مقدر می‌کند. راضی به قضای الهی باشید و عملاً این مسیر را به گونه‌ای ادامه دادند که بگویند تلاش و فعالیت و اقداماتی را که می‌خواهید بکنید، تأثیری ندارد. قضا و قدر به گونه دیگری رقم می‌خورد. خب، شهید مطهری همین بحث را در جاهای مختلف، به خصوص کتاب ارزنده انسان و سرنوشت به خوبی مورد توجه قرار می‌دهد و مسئله را به قدری باز می‌کند که شاید نیمی از کتاب به طرح شبهه اختصاص می‌یابد. وقتی همه ابعاد مسئله خوب باز شد و شکافته شد و شبهات مطرح شد، ایشان آرام آرام شروع به پاسخ‌دادن می‌کند. معروف است که وقتی فیلم سینمایی مبتذل محلل در دوره طاغوت در سینماها اکران شد و با جسارت احکام الهی را زیر سؤال برد و آن مقاله هم در مجله زن روز چاپ شد، شهید مطهری چون فیلم مبتذل بود فیلم را ندیدند، اما نوار صدای آن را آوردند. ایشان گوش کرد و فهمید که چه مشکلاتی مطرح شده، بعداً در مقاله‌ای در همان مجله زن روز پاسخ داد. خب، این نشان‌دهنده این است که ایشان در عمل و در فضایی که ممکن بود شبهات زیادی برای

خودشان ایجاد کنند با شجاعت وارد می‌شد و وظیفه خودش را انجام می‌داد. در واقع، شهید مطهری، در دو مقاله مفصل در کتاب ارزنده ده گفتار می‌گویند، همه چیز را تقوا روشن می‌کند. یعنی انسان خود را از آنچه مانع آزار و اذیت اوست، محافظت می‌کند و معنای آن این نیست که از جامعه کناره بگیرد. انسان باید در متن جامعه باشد. باید با همه مسائل جامعه دست و پنجه نرم کند، اما تقوای خود را حفظ کند. در واقع، یک نوع خودکنترلی و یک نوع خویشتن‌داری در عین حضور در همه مراحل زندگی و اجتماع داشته باشد نه مصداق شعر عابدی که از دنیا کناره گرفته و گفته است:

بدیدم عابدی در کوهساری

قناعت کرده از دنیا به غاری

به او گفتم به شهر اندر نیایی

که باری بند از دل برگشایی

بگفت آنجا پری رویان نغزند

چو گل بسیار شد پیلان بلغزند

در داخل شهر چون پری رویان آنچنانی وجود دارد من باید خودم را حفظ کنم. یعنی اگر من وارد اجتماعی شوم و این مشکلات را ببینم، پیل هم اگر باشم، دچار لغزش می‌شوم. این معنای تقوا نیست و آن چیزی نیست که شهید مطهری آن را تبیین می‌کند. شهید مطهری با حفظ تقوا به مبارزات فکری خودش ادامه داده است.

مسئولیت سنگین رسانه ملی

متأسفانه یکی از مشکلاتی که جامعه فکری ما دارد، آن است که بسیاری از متفکران و صاحب‌نظران و صاحبان رأی و اندیشه، خیلی از اوقات احساس می‌کنند که نمی‌توانند با خاطر جمع، با آرامش و با همه ظرفیت‌های خودشان مسائل فکری و فرهنگی و اجتماعی را مطرح کنند. متأسفانه، امروز به محض اینکه یک شخصیت علمی نظریه‌ای را ارائه می‌دهد، همه آن نظریه را کنار می‌گذارند؛ یک جمله از آن را می‌گیرند، یک تیتر جنجالی - مطبوعاتی از آن انتخاب می‌کنند و بعد می‌روند پشت این تیتر و یک جمله، موضع می‌گیرند و این شخصیت‌ها را

متهم به چپ و راست و طرفداری از آن گروه و آن حزب می‌کنند، این واقعاً آسیب بزرگ جامعه فکری امروز ماست. همه باید تلاش کنیم.

همه رسانه‌ها مسئولیت دارند و مسئولیت سنگینی هم بردوش رسانه ملی است که به تأسی از نظریه آزاداندیشی رهبر فرزانه انقلاب، بزرگان و اندیشمندان ما در یک فضای سالم بتوانند بسیاری از دیدگاه‌های علمی خودشان را مطرح کنند و خیلی از شبهات دانشجویان و جوانان ما را پاسخ بدهند. الان، متأسفانه به همین دلیل بسیاری از شبهاتی که در ذهن جوانان است و باید در یک فضای سالم و سازنده مطرح و پاسخ آن داده شود دچار چنین آفتی است، که امیدوارم این مسئله به زودی حل شود.

من به‌عنوان کلام آخر هم جا دارد که از زحمات ارزشمند همسر فداکار شهید مطهری یاد کنم. در واقع، آن وظیفه‌ای که بر عهده ماست - به عنوان معرفی الگوهای برتر و نمونه‌های شایسته - یکی از آنها همسر شهید مطهری است، حتماً الگو برای زنان این نیست که خودشان در عرصه اجتماع منشأ فعالیت‌های ارزشمند باشند، که این البته به نوبه خود بسیار مهم است و ارزش واقعی حساب می‌شود، اما خانم‌هایی که در خانه مسئولیت تربیت فرزند را به عهده دارند و در واقع شرایطی را فراهم می‌کنند که مردان بزرگی مثل شهید مطهری بتوانند با آرامشی که لازم است به وظیفه خود عمل کنند، اینها خدمات ارزشمندی را انجام داده‌اند و به اعتقاد من، همسر بزرگوار ایشان در تمامی فعالیت‌هایی که این شهید بزرگوار انجام داد و ثواب و بهره‌ای را که برد، حتماً با او سهیم و شریک است. لذا از فرصت استفاده می‌کنم و از این جایگاه از تلاش‌ها و فداکاری‌های ارزنده این بانوی بزرگ هم سپاسگزاری می‌کنم. امیدوارم، خداوند، روح پاک آن شهید بزرگوار را با ارواح طیبه انبیا و صدیقین محشور بفرماید و به همه ما توفیق دهد که بتوانیم از آثار ارزشمند این شهید بزرگوار استفاده لازم را بکنیم!